

اصول رقابت سیاسی بر اساس اسناد بالادستی، پیشنهادی در راستای تکمیل الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰ تأیید: ۱۴۰۰/۱/۲۸ داود تقی‌لو*
و نجف لکزایی**

چکیده

مفهوم رقابت یکی از پرجاذبه‌ترین مفاهیم در عرصه کنش سیاسی به شمار می‌آید. با فرض پذیرش مردم‌سالاری در اندیشه سیاسی اسلام، رقابت سیاسی که یکی از شاخص‌های آن است نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. رقابت سیاسی برای این که بتواند کارویژه‌های مورد انتظار را برآورده سازد، باید در قالب اصول و قواعد عقلانی قرار گیرد. بر اساس قوای وجودی انسان، الگوهای متنوعی برای رقابت سیاسی متصور است که از میان آن‌ها الگوی رقابت سیاسی متعالی عقلانی مورد پذیرش است. اصول رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران باید برگرفته از اسناد بالادستی آن باشد. حفظ حرمت ارزش‌های مسلط جامعه و آموزه‌های دینی، تقدم امور معنوی، هدف‌نبودن قدرت، تأمین مصالح ملی، التزام به هنجارهای قانون اساسی و سایر قوانین، رعایت استقلال کشور، حفظ امنیت ملی، حفظ وحدت ملی، رعایت اخلاق مدنی و بازی با حاصل جمع غیر صفر، اصول به‌دست‌آمده از اسناد بالادستی در پژوهش بنیادی پیش رو است.

تحقیق حاضر در راستای تبیین اصول حقوقی، اخلاقی و رفتاری رقابت سیاسی عقلانی بر پایه اسناد بالادستی و تطبیق آن بر پیش‌نویس الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت با هدف تکمیل این پیش‌نویس است. روش تحقیق در نوشتار پیش رو توصیفی – تحلیلی است.

واژگان کلیدی

اصول رقابت سیاسی، الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، توسعه سیاسی، رقابت سیاسی عقلانی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم 7 : dtagilo@yahoo.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم 7 : nlakzaee@gmail.com



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرستی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بر اساس ماهیت رقابتی سیاست، قدرت سیاسی نمی‌تواند برکنار از رقابت باشد. رقابت در سیاست می‌تواند به صورت‌های دوستانه یا خصمانه باشد. در عین این که رقابت و سازوکارهای آن می‌تواند ظرفیتی برای تبدیل سیاست فاضله به سیاست استبدادی ضاله باشد، می‌تواند عاملی برای چرخش مسالمت‌آمیز قدرت در دست صاحب‌منصبان باشد؛ به صورتی که از تجمیع قدرت و اختیارات در یک فرد یا جمع و گروه خاصی، از مفساد این تجمیع جلوگیری نماید. رقابت‌آمیزبودن سیاست در دنیای مدرن، نظارت و مشارکت مردم را در پی داشته است. هم‌چنین زمانی که در فلسفه تشکیل اجتماع بر هم‌کاری و رقابت برای دست‌یابی به فضایل تأکید می‌شود، هم‌کاری و رقابت در حوزه سیاست نیز به عنوان ساحتی از اجتماع حضور خواهد داشت. سیاست رقابتی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در واقع صورت سیاست متأثر از ماهیت آن است. هنگامی که ماهیت سیاست رقابتی باشد، شکل حکومت و قدرت نیز رقابتی خواهد بود و اگر ماهیت سیاست غیر رقابت‌آمیز باشد، شکل و صورت حکومت نیز غیر رقابتی و اقتدارگرا خواهد بود؛ به گونه‌ای که شهروندان هیچ مشارکتی در تأسیس و تداوم آن ندارند. در صورت‌های رقابت‌آمیز حکومت هم‌چون اشکال دموکراتیک، چرخش قدرت سیاسی به صورت رقابتی و مسالمت‌آمیز در میان عامه و نخبگان برای تدبیر امور در بازه زمانی مشخص صورت می‌گیرد. در حالی که صورت‌های غیر رقابت‌آمیز آن؛ مانند رژیم‌های اقتدارگرا، استبدادی، تمامیت‌خواه و... سازوکارهای رقابتی و گردشی توزیع قدرت را در صحنه حکمرانی خود بر نمی‌تابند.

از شاخص‌های مردم‌سالاربودن نظام‌های سیاسی، باور به ضرورت رقابت در عرصه کنش سیاسی عنوان می‌شود. با فرض پذیرش مردم‌سالاری در مدل حکومتی مطلوب اندیشه سیاسی اسلام، رقابت سیاسی که یکی از شاخص‌های مردم‌سالاری است، وارد این پیش‌فرض می‌شود. برای توسعه و پیشرفت، داشتن چشم‌انداز و الگویی که بر اساس آن و متناظر با فرهنگ و سنت‌های جامعه هدف تنظیم شده باشد، ضروری است.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که به صورت پیش‌نویسی ارائه شده است، برای محقق‌ساختن چنین آرمانی نیازمند خوانش‌های دوباره، نقد، اصلاح و تکمیل است. یکی از کاستی‌های این پیش‌نویس مسأله رقابت سیاسی است. رقابت سیاسی که یکی از مسائل روز و آسیب‌زای جامعه ما بوده است، نیاز بسیار جدی به توجه خاص در این پیش‌نویس دارد. براین‌اساس، ارائه الگویی متناسب زمینه و زمانه جامعه ایران اسلامی می‌تواند از آسیب‌های ناشی از این حوزه بکاهد.

رقابت سیاسی برای این که بتواند کارویژه‌های مختلفی هم‌چون مشارکت سیاسی و اجتماعی فعال و پویا، تقویت وفاق اجتماعی، وحدت ملی، ثبات سیاسی و افزایش سرمایه اجتماعی که از آن انتظار می‌رود را برآورده سازد، باید در قالب اصول و قواعد خاصی قرار گیرد. در عین حال، صرف قائل‌شدن به تکثر در آرا و مشروعیت رقابت‌های سیاسی - اجتماعی، توان عینیت‌بخشی به کارویژه‌های پیش‌گفته را ندارد. رقابت‌های سیاسی زمانی مثبت تلقی می‌شود که در تقابل با ثبات سیاسی به اختلاف و تفرق سیاسی منجر نگردد. از این رو، وجود رقابت سیاسی، بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد آن، به تنهایی نمی‌تواند راه حل مشارکت سیاسی تلقی شود. این نکات لزوم تعیین و تبیین اصول و قواعد رقابت سیاسی را بیان می‌کند. در تحقیق پیش رو اصول رقابت سیاسی از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به دست آمده و از آن جایی که در پیش‌نویس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به اصول این الگو پرداخته نشده است، از این جهت تطبیق اصول بر یک‌دیگر منتفی بوده و اصول به دست آمده برای رقابت سیاسی برای تکمیل پیش‌نویس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پیشنهاد خواهد شد.

در رابطه با پیشینه موضوع محل بحث، اثری علمی با رویکرد بنیادی یافت نشد. در حوزه رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، غالب آثار با نگاهی جامعه‌شناختی و انضمامی نوشته شده‌اند. این در حالی است که نگاه جامعه‌شناختی و عینی به موضوعی، مستلزم تبیین پیشینی آن با رویکرد فلسفی و نظری است. در میان آثار محدودی که با رویکرد بنیادی به موضوع رقابت سیاسی پرداخته‌اند، پایان‌نامه «رقابت سیاسی از دیدگاه قرآن» پس از ارائه اصول رقابت سیاسی و آسیب‌های آن در قرآن، به ارائه الگوی

رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن می‌پردازد. در این الگو، رقابت سیاسی با هدف کسب رضای خدا، رسیدن به سعادت و کمال و مبتنی بر اخلاق و تقوای سیاسی است. با این وجود، اصول مطرح‌شده در این اثر، بیش‌تر قابل تطبیق بر اهداف رقابت سیاسی است. چارچوب‌های قانونی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی 1 به بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی در چارچوب قانونی رقابت سیاسی و شاخص‌های آن و همچنین چگونگی عملیاتی‌کردن آن در نظام اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و الزامات آن می‌پردازد. امتداد عملی این اثر در تطبیق چارچوب‌های قانونی رقابت سیاسی بر نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است، اما منجر به ارائه الگوی رقابت سیاسی نشده است. در این اثر، به اصول رقابت سیاسی پرداخته نشده است. بر این اساس، نوآوری مقاله حاضر تبیین اصول رقابت سیاسی مبتنی بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است.

رقابت سیاسی مطرح در نظریه مردم‌سالاری اسلامی که مدلی عقلانی است، برای کارآمدی و دوری از چالش‌ها و آسیب‌های رایج در انواع دموکراسی‌های موجود دنیا نیازمند طراحی الگو و تبیین چارچوب است. پژوهش پیش رو که از جنس پژوهش‌های بنیادی است، در صدد ارائه اصول رقابت سیاسی عاقلانه مطرح در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد بالادستی است.

مفهوم رقابت سیاسی

در فرهنگ فارسی معین و لغت‌نامه دهخدا و دیگر لغت‌نامه‌ها معانی نگرهبانی‌کردن، انتظارکشیدن، هم‌چشمی‌کردن (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۶۶) برای رقابت ذکر شده است. رقابت‌کردن به معنای فعالیت توأم با هم‌چشمی بین دو یا چند فرد یا گروه است. رقابت‌کردن به معنای تلاش برای پیشی‌گرفتن از دیگران هم‌چون رقابت ورزشی است (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲، ص ۴۸۴).

در رابطه با تعریف اصطلاحی رقابت سیاسی، در منابع مربوط به صورت صریح تعریفی به‌دست نیامد. در متون مرتبط با حوزه مشارکت و رقابت سیاسی این دو هم‌زاد و لازم و ملزوم هم‌دیگر دانسته شده است. با وجود این، ناچاریم برای یافتن تعریفی

مقبول از رقابت سیاسی به تعریفی از مشارکت سیاسی که تا حد زیادی با رقابت سیاسی هم‌خوانی دارد، رجوع کنیم.

هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی (اعم از محلی و ملی، روش‌های قانونی و غیر قانونی را به کار گیرد (پای و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷).

تعریف حاضر با مقصود ما از رقابت سیاسی نزدیکی بسیاری دارد؛ هم‌چنان‌که هدف از رقابت سیاسی به عنوان قسمی از مشارکت سیاسی، چیزی جز نوعی تأثیرگذاری بر روند حاکمیت سیاسی و قدرت نیست. قید «سیاسی» در «رقابت سیاسی» موضوع و محدوده رقابت را تعیین می‌کند. از این رو، مراد از رقابت سیاسی، تلاش داوطلبانه و در چارچوب قواعد مقرر شده از سوی نظام سیاسی، برای سبقت‌گرفتن از رقیبان در احراز یا حفظ موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی یا تأثیرگذاری بر آن‌ها است.

برای این‌که مقصود از اصول رقابت سیاسی مشخص شود، ابتدا لازم است معنای اصل و مقصود از آن روشن شود. اصل یک چیز در لغت به معنای پایه و اساس آن چیز است هم‌چون پی دیوار که به آن اصل گفته می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۶). به عبارت دیگر، اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می‌شود و فرع چیزی است که بر غیر خود بنا می‌شود. اما در اصطلاح، اصل در علوم مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است که در کل ویژگی‌های زیر، از تعاریف اصطلاحی اصل در علوم مختلف قابل استفاده است.

۱. نوعی اهمیت و تقدم اصل در برابر سایر امور؛ به گونه‌ای که هر چند به قیمت از دست دادن اموری دیگر، این اصل باید حفظ و رعایت شود.

۲. نوعی کلیت و شمول در مفهوم اصل.

۳. نوعی پایه و منشأیت اصل برای امور دیگر.

۴. نوعی دستور و باید در مفهوم آن؛ یعنی اصول از سنخ «هست‌ها» نیست، بلکه از سنخ «بایدها» است که باید آن‌ها را در نظر داشت و به آن‌ها تحقق بخشید؛ گرچه گاهی

ممکن است مفاد اصلی توجه‌داشتن به واقعیتی خارجی (مبنایی)، در عمل باشد؛ نظیر توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش یا رقابت.

۵. نوعی جهت‌دهی و هدایت رفتار به وسیله آن.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مقصود از اصول رقابت سیاسی، قواعد عمومی و الزام‌آور در جهت هم‌بستگی ساختار و پویایی الگوی رقابت سیاسی برای رسیدن از مبانی به اهداف است (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۴-۴).

چارچوب نظری

رقابت سیاسی را می‌توان دو گونه تصور کرد: رقابت سیاسی متعالی و رقابت سیاسی متدانی. بر اساس نظریه دو فطرت، انسان دارای دو فطرت مخموره و محجوبه است. فطرت اول اصلی است؛ زیرا به دنبال کمال حقیقی است. اما فطرت دوم تبعی است؛ چرا که در پی کمال توهمی است. تبیین نظری رقابت سیاسی در چارچوب نظریه دو فطرت، بر این اساس خواهد بود که رقابت بر اساس فطرت مخموره متعالی، عقباگرا و خیر است و بر اساس فطرت محجوبه، متدانی، دنیاگرا و شر است. ابزار رقابت سیاسی متعالی، عقل خالص از وهم و خیال و هوای نفس است و ابزار رقابت سیاسی متدانی، عقل ناخالص و مستخدم است. در چنین رقابتی قوای شهوت و غضب و شیطنت، عقل را در استخدام اغراض دنیایی خود گرفته او را از رقابت برای تعالی باز می‌دارند. در الگوی متعالی رقابت سیاسی، رفتار کنش‌گران بر اساس جنود عقل، خداخواهی و قیام لله انجام می‌گیرد. درحالی‌که در الگوی متدانی رقابت سیاسی، رقابت بر اساس عشق به قدرت، سلطه بر انسان‌ها و محبوب‌های غیر حقیقی و پست خواهد بود.

امام خمینی در کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، هشت نوع انسان را معرفی می‌کند. به لحاظ آفرینش، غیر از عقل، سه نیروی دیگر نیز در انسان وجود دارد؛ شهوت که تمایلات حیوانی انسان توسط این قوه پشتیبانی می‌شود. غضب و وهم و شیطنت. نفوس مترتب بر این قوا به ترتیب، نفس بهیمی و حیوانی، نفس سبعی و نفس شیطانی است. از این‌رو، با توجه به نوع تربیت و بالفعل شدن قوای انسان، انسان‌های

مختلفی شکل می‌گیرند. اول، انسانی است که ریاست وجودش را قوه شهوی بر عهده گرفته است و دیگر قوا در خدمت آن قرار می‌گیرند. این انسان به لحاظ وجودی، به حیوانی مانند گاو تبدیل می‌شود. گاو، تمام همتش در زندگی صرف خوردن و خوابیدن می‌شود و صرفاً به دنبال نیازهای حیوانی است؛ یعنی در پی بقای جسمی است. دسته دوم، انسان‌هایی هستند که پیوسته به دنبال خشونت و صدمه‌زدن به دیگران هستند. در این نوع از انسان‌ها قوه سبعی، ریاست وجود و قوای دیگر را بر عهده می‌گیرد. این دسته از انسان‌ها، اگر از عقل هم استفاده می‌کنند، برای این است که بتوانند به دشمن خود آسیب جدی‌تری برسانند. این‌ها انسان‌های درنده‌خو؛ مانند گرگ و پلنگ می‌شوند. دسته سوم، انسان‌هایی هستند که قوه شیطنت بر آن‌ها حاکم می‌شود و بقیه قوا در خدمت این قوه قرار می‌گیرند که می‌شود انسان شیطان‌صفت. یک سری انسان‌ها نیز از ترکیب این قوا با یک‌دیگر به وجود می‌آیند؛ یعنی انسانی که ریاست وجودش به عهده دو یا سه قوه از این سه قوه در می‌آید. برای مثال، انسانی که قوه شهوانی و درندگی، هر دو بر وجودش ریاست می‌کند، می‌شود گاو پلنگ؛ یا اگر قوه حیوانی و شیطنت بر او ریاست کند، می‌شود گاو شیطان. هم‌چنین اگر قوه درنده‌خویی و شیطنت با هم بر او ریاست کنند، می‌شود پلنگ شیطان. یا هر سه قوه با هم ریاست کنند که می‌شود گاو پلنگ شیطان. در نهایت؛ چنان‌چه عقل بر وجود انسانی ریاست کند، می‌شود انسان عاقل. بنابراین، هشت نوع انسان وجود دارد: انسان حیوان‌صفت، انسان درنده‌خو، انسان شیطان‌صفت، انسان حیوان‌صفت درنده‌خو، انسان حیوان‌صفت شیطنی، انسان درنده‌خوی شیطنی، انسان شهوت‌ران درنده‌خوی شیطان‌صفت و انسان عاقل. هر کدام از این انسان‌ها فهم خاصی از رقابت سیاسی دارند؛ یعنی به تعداد این هشت نوع انسان، هشت الگو و فهم متفاوت از رقابت سیاسی وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۴۸).

بر اساس این چارچوب، می‌توان الگوی رقابت سیاسی را در هشت نوع انسان طراحی کرد. در الگوی اول، انسانی که گاو‌خصلت است، رقابت سیاسی از منظر او کنشی برای دستیابی به لذت‌های حیوانی و بقای مادی است. در الگوی دوم، رقابت سیاسی برای آسیب‌رساندن به دیگران و برای ارضای قوه سبعی که بقیه قوا را تحت تسلط دارد، مورد

بهره‌برداری قرار می‌گیرد. الگوی سوم، توسط انسان‌های شیطان‌صفت که قوه شیطنت در آن‌ها حاکم است، رقم می‌خورد. در این الگو، رقابت سیاسی در جهت شیطنت‌ها و فتنه‌انگیزی‌های سیاسی خواهد بود. الگوی رقابت سیاسی برای هر یک از انواع انسان‌های گاو پلنگ، گاو شیطان، پلنگ شیطان و گاو پلنگ شیطان، ترکیبی از الگوهای پیش‌گفته خواهد بود. الگوی مطلوب ما برای رقابت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، الگویی است که در آن عقل راهنما و پیش‌ران و اصول عقلانی حاکم بر این عرصه از کنش سیاسی باشد.

جامع‌نگری در تمامی عرصه‌ها یکی از اصول عقلانی است. بر این اساس، انسان باید در رقابت‌های سیاسی منافع کل حیات خود و حتی دیگر هم‌نوعانش را در نظر داشته باشد. در این نگاه جامع، منافع دنیوی و اخروی توأمان و درهم‌تنیده در نظر گرفته می‌شود. قوای شهوانی، سبعی و شیطنت برای اصل بقای انسان ضرورت دارد. انسان به قوه حیوانی احتیاج دارد؛ زیرا نیازهای حیوانی دارد. به قوه غضبیه نیز محتاج است؛ برای این که در برابر دشمنان از خود دفاع کند. به قوه وهمیه نیازمند است؛ برای این که فریب شیطان و دیگر فریب‌کاران را نخورد. اما برای این که این قوا درست عمل کنند و در موارد تعارض و تزاخم، انسان سردرگم نشود یا عنان اختیار به دست یکی از این قوا نیفتد، ضروری است که این قوا تحت تدبیر و ریاست عقل باشند. انسانی که بر اساس دستور عقل جامع‌نگر در برابر تهدیداتی که بقای اخرویش را تهدید می‌کند، از خودش حفاظت می‌کند، چنین انسانی را انسان متعالیه می‌نامیم. انسان غیر متعالی، اگر عاقل هم باشد، عقلش محدود به تدبیر امور دنیایی است؛ یعنی در حد همان سه قوه محصور می‌شود. چون انسانی که از آن سه قوه استفاده می‌کند، تفاوتش با انسان عاقل متعالی این است که قوای وجودش تحت تدبیر عقلش نیست، بلکه عقلش تحت تأثیر آن سه نیرو قرار گرفته است. عقل دارای تعلق شده است؛ اعم از تعلق شیطانی یا تعلق درنده‌خویی یا تعلق شهوانی و یا ترکیبی از این سه نیرو.

اصول رقابت سیاسی

رقابت سیاسی پذیرفته‌شده در مردم‌سالاری اسلامی، رقابت سیاسی متعالی است.

رقابتی که بر اساس حاکمیت عقل و اصول عقلانی، سایر قوای انسانی را در محل خود قرار داده و در راستای نیل به اهداف متعالی خود از آن‌ها بهره می‌گیرد. هم‌چنین پرداختن به اصول عقلانی رقابت سیاسی برای کارآمدسازی و نیل به انتظارات و اهداف عقلانی تعیین‌شده از رقابت‌های سیاسی ضروری است. لازم به توضیح است که مقصود از الزام در قواعد الزام‌آور رقابت سیاسی؛ اعم از قواعد حقوقی و اخلاقی مورد تأیید عقل متعالی است. از این‌رو، ضرورتی در جداسازی این دوگونه الزام در اصول مطرح‌شده در ادامه بحث احساس نمی‌شود.

تقدم امور معنوی

در دنیای امروز، علی‌رغم پیشرفت‌های علمی با سرعتی سرسام‌آور، نیاز به معنویت در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به وضوح احساس می‌شود. این نیاز مبرم است که موجب ظهور معنویت‌های مدرن سکولار در اغلب جوامع و تزریق آن به مردم بی اطلاع در قالب عرفان و مفاهیم دیگر عرفانی شده است. مقصود ما از معنویت، این قسم معنویت‌های نوظهور دست‌ساز بشری نیست، بلکه منظور از آن، معنویت حقیقی منطبق با مبانی دین اسلام و برگرفته از تعالیم روح‌بخش قرآن و عترت و مورد تأیید عقل است که به زندگی انسان‌ها شور، عشق و معنا می‌بخشد.

علامه طباطبایی معتقد است آدمی بی‌رقابت و تنافس معنایی ندارد. طبع آدمی با رقابت و تلاش برای کسب آنچه که مطلوبش است، گره خورده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). رقابت عاقلانه با توجه به موضوع خود، می‌تواند زمینه‌ای سالم برای بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های افراد فراهم سازد. بر این اساس، طرفین تنافس عقلانی باید بر سر موضوعی به رقابت برخیزند که متضمن نعمت‌های اخروی و سعادت ابدی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۳۸). در آیات متعددی از قرآن کریم به رقابت عقلانی در جهت سرعت و سبقت‌گرفتن بر مغفرت الهی تأکید و تشویق شده است. آن که از غفران و ربوبیت الهی روی‌گردان است و استعداد‌های انسانیش را شکوفا نساخته، از انسان‌بودن همین سترده‌مویی و با دوپاپویی و خصلت‌های حیوانی را شناخته است.

انسانی که فطرت و انگیزه‌های افزایش جویی و رقابت را در مسیر معنویت و صحیح به کار نگیرد، به ناچار این انگیزه‌ها او را در مسیر استثمار، استعمار، رباخواری، رقابت‌های غیر عقلانی ناسالم و بعضاً خونین و فسادهای مضاعف خواهد کشاند. رقابت‌های شکل‌گرفته در این صورت، مدل‌های غیر عقلانی رقابت هم‌چون حیوانی، سبعی، شیطانی و غیره که بنیان جامعه انسانی را هدف گرفته‌اند، خواهد بود. اما اگر همین انسان تغییر جهت داده، تحول یابد و فطرت رقابت خود را با فطرت خداجویی‌اش هم‌جهت گرداند، میدان مسارعه و رقابت به سوی کمال حقیقی و سعادت ابدی به رویش باز خواهد شد (طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۳۵-۳۳۴). بر این اساس، یکی از اصول مهم رقابت سیاسی متعالی، اصالت‌دادن به امور معنوی و اخروی و اغراض متعالی در متن رقابت سیاسی است. تنها در این صورت است که به حکم عقل، از فواید رقابت سیاسی بهره‌مند و از آفت‌های آن دوری خواهد شد.

هدف‌نبودن قدرت

کسب قدرت در مکتب اسلام هدف نهایی نیست، بلکه قدرت برای حفظ و بسط ارزش‌های حق و عدالت است. غرض از رقابت نیز نباید کسب قدرت برای قدرت باشد، بلکه هدف از پذیرش و ترغیب به آن، نشاط و طراوت‌بخشیدن به حیات سیاسی و اعتلا و تکامل حیات اجتماعی می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۷/۲۱). پیامد چنین دیدگاهی هم‌کاری بعد از رقابت است. رقابت، ابتدای مسیر برای ساختن مدینه فاضله و ایفای نقش فعال در این مسیر است. در مدل‌های غیر عقلانی رقابت سیاسی است که گروه بازنده خانه‌نشین می‌شود و گروه برنده تنها جولان‌دهنده و بهره‌برنده از مناصب حکومتی و فرصت‌های آن می‌گردد. در این حالت، گروهی که اسم خود را برنده رقابت سیاسی گذاشته است، نه تنها خود را، بلکه کل جامعه را از ظرفیت‌های فکری و عملی گروه رقیب محروم کرده است. اما در دیدگاهی که قدرت را هدف نمی‌داند و آن را ابزاری برای رشد و تعالی افراد جامعه می‌بیند، برنده و بازنده‌ای وجود ندارد و تمامی گروه‌ها و رقبا پس از رقابت به هم‌گرایی و هم‌کاری اهتمام می‌ورزند. حتی از منظر

عقل عرفی نیز تنها در این صورت است که رقابت‌های سیاسی به منفعت عموم و مصالح ملی منجر می‌شود.

اهداف الهی مؤمنان با یک‌دیگر تزاومی ندارد. به تعبیر دیگر، کسانی که اهداف نهایی آن‌ها در همین دنیا خلاصه می‌شود، پیوسته خود را در تزاوم و درگیری با دیگران می‌بینند؛ زیرا اگر پُست و مقامی در میان باشد، با رسیدن یک نفر به آن مقام، دیگران از دست‌یابی به آن محرومند و هم‌چنین ثروت، شهرت و... که هر انسان دنیاپرستی طالب حداکثر آن است، اما هدف والای انسان خداخواه با هیچ انسان دیگری مزاحمت ندارد. او در طی این مسیر، نه تنها دیگران را مزاحم خویش نمی‌پندارد، بلکه خیرخواهی برای هم‌نوعان خود را کمکی در جهت نیل سریع‌تر به آن هدف می‌داند. رقابت او، برخلاف رقیبان قدرت، برای دست‌یابی به ارزش‌های متعالی است. این نوع از رقابت متعالی عاقلانه با رقابت‌های متدانی غیر عقلانی برای پس‌زدن و محروم کردن دیگران فرسنگ‌ها فاصله دارد. مسابقه‌هایی از این دست، تنها منشأ حرکت و فعالیت بیش‌تر برای خود فرد بوده و با جلوگیری از پیشرفت دیگران هم‌خوانی ندارد. رقابت عقل‌محور، در عین حال که عقب‌راندن دیگران از فرصت‌ها نیست، کسب اختیار در ارائه خدمت بهتر به مردم و جامعه است. اصالت در این بینش با تعاون و هم‌کاری است. چنین انسانی، خود را از سایر اعضای جامعه جدا نمی‌بیند، بلکه همه را به مثابه اعضای به هم پیوسته، متشکل و روان به سوی یک هدف می‌پندارد. بر این اساس، از کمال دیگران خرسند است و برای رقیبان یاوری دل‌سوز، صمیمی و هدایت‌گر در جهت کمال است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶). از این نظر، رقابت سیاسی عقلانی بر دیگر مدل‌های رقابت سیاسی تقدم کارکردی نیز دارد.

از منظر اندیشمندی دینی، آفت بزرگ احزاب، رقابت‌های سیاسی است که بین آن‌ها واقع می‌شود. البته مقصود این اندیشمند رقابت‌های ناسالم حزبی است. وی در ادامه این چنین توضیح می‌دهد که اعضای احزاب سیاسی تعهداتی در بین خود دارند که با اصل هدف‌نبودن رقابت و بعضاً سایر اصول رقابت سیاسی در تناقض است. به طور مثال، اگر از عضو منصفی از اعضای حزبی سؤال شود که آیا کاندیداهایی که حزب

رقیب تأیید و معرفی کرده است، از کاندیداهای شما شایستگی بیش‌تری ندارند؟ جواب خواهد داد که بله اصلح هستند، ولی تصمیم حزب چنین است و جبهه ما این‌گونه اقتضا می‌کند و ما ملزم به تصمیمات هم‌جبهه‌ای‌های خود هستیم. این اندیشمند در انتها عبارتی را می‌افزاید که نسخه تمامی رقابت‌های سیاسی حزبی را در هم می‌پیچد. در هیأت دینی رقابت‌ها چنین نیست؛ یعنی بر منوال رقابت‌های حزبی و جناحی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳). به عبارت دیگر، اگر رقابت‌های سیاسی در یک جامعه یا به دست هیأت مذهبی اجرا شود و یا بر سیره آن‌ها باشد، آن جامعه با مشکلات رقابت سیاسی حزبی مواجه نخواهد شد. در هیأت‌های مذهبی که بر سبک اخوت اسلامی و خیرخواهی یک‌دیگر و جامعه اداره می‌شوند، اگر رقابتی سیاسی نیز اتفاق بیفتد همه بر این نکته اتفاق خواهند داشت که باید از شایسته‌ترین فرد حمایت کرد؛ هرچند در هیأت خودشان نباشد. در نهایت فواید این الگو از رقابت به نفع جامعه خواهد بود. روشن است که این سبک رقابتی در احزاب سیاسی وجود نداشته و با ماهیت حزب سیاسی هم‌خوانی ندارد.

اگر در رقابت سیاسی کسب قدرت برای قدرت، هدف نباشد، بسیاری از زیر پا گذاشتن اصول، خط قرمزها و بد اخلاقی‌ها رفع خواهد شد. در مدل‌هایی از رقابت سیاسی که کسب قدرت هدف نهایی است، به هر وسیله‌ای می‌توان به آن دست یافت. تخریب رقیب، خریدن رأی، اسراف و تبذیر، بهره‌گرفتن از رانت و پول‌های کثیف، فریب‌دادن مردم و دادن وعده‌های دروغ و... همگی مجاز خواهند بود. در الگوهای متدانی رقابت سیاسی با معیار قرارگرفتن شهوت، غضب و وهم، این‌گونه رفتارها مورد تأیید قرار می‌گیرد. اما در مدل رقابت سیاسی مطلوب اندیشه اسلامی، رقابت بر سر کسب قدرت با هدف نهایی خدمت به جامعه در مسیر قرب الهی صورت می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

التزام به قانون

هر جامعه که قوانینی در آن شکل می‌گیرد و به پذیرش مردمان آن در می‌آید، باید به آن وفادار بماند و در التزام به قانون بکوشد. برای برپاداری و حاکمیت قانون در

جامعه کوشش فراوانی لازم است. لذا نظام جمهوری اسلامی باید سعادت مردمان و سلامت جامعه را در نهادینه‌شدن قانون بداند و با نفوذناپذیری و استواری، قانون‌شکنان و قانون‌گریزان را به اطاعت از قانون وا دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۸۲). پای‌بندی و احترام به قانون، فرهنگی است که از نخبگان به سایر بخش‌های جامعه سرازیر می‌شود. نخبگان به عنوان افراد شاخص و الگو در تمامی صحنه‌ها به ویژه صحنه رقابت سیاسی علاوه بر شخصیت حقیقی، دارای چهره حقوقی نیز هستند. از این لحاظ، احترام آنان به قانون یا قانون‌گریزی‌شان تأثیر دوچندان دارد. اگر بی قانونی در جامعه‌ای رایج شد، کارها گره خواهد خورد و هرج و مرج جامعه را فرا خواهد گرفت. بسیاری از کارها و زحمات گذشته از بین خواهد رفت و مصالح عمومی پایمال می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۷۷ و خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۳). نقطه اوج ظهور باطن و سیرت نخبگان سیاسی و میزان پای‌بندی‌شان به قانون را می‌توان در بزنگاه‌های رقابتی و صف‌کشی در مقابل یک‌دیگر محک زد. در چنین صحنه‌هایی است که چشمان تیزبین مردم نظاره‌گر آنان است. التزام به قانون؛ هرچند در ظاهر و موردی به نفع لحظه‌ای کسی نباشد، ولی در باطن و درازمدت به نفع او و همه اعضای جامعه تمام خواهد شد. یکی از ثمرات مهم آن ایجاد فرهنگ متعالی و مرفقی احترام به قانون در سطح عموم جامعه است. رقابت سیاسی عاقلانه، قانون‌گرا و رقابت‌های سیاسی غیر عقلائی، قانون‌گریز و منفعت‌گرا هستند.

از سوی دیگر، برابری و مساوات در برابر قانون و التزام عملی به آن، یکی از اصول مورد توجه و تأکید در اسلام است. تمام افراد جامعه از حاکم تا فرمان‌بر، از خواص تا عوام در استفاده از تمامی فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، برابر تلقی می‌شوند و موقعیت و جایگاه هیچ‌کسی منشأ اولویت نسبت به بقیه افراد جامعه نیست. به همین دلیل، هرگونه برخورداری از شرایط منحصربه‌فرد در جهت بهره‌مندی از امکانات و قانون‌گریزی در رقابت‌های سیاسی مردود شمرده شده است. امیرالمؤمنین ^۷ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برحذر باش از آن‌که سودی را به خود اختصاص دهی که همگان را در آن حقی است» (حرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳). به اعتقاد امام علی ^۷ همگان

از قبیل حاکم و مردم، در مقابل قانون یک‌سان و برابرند. در الگوی رقابت سیاسی متعالی که بر اساس اصول عقلانی است، رابطه یا نسبت با حکمرانان مایه برتری و زیاده‌خواهی و برهم‌زدن برابری در میدان رقابت سیاسی نخواهد بود. حاکم نباید حق بیش‌تری برای خود فرض کند، یا برای اطرافیان خود رانت ویژه در رقابت‌های سیاسی در نظر بگیرد. بلکه همه باید در برابر قانون مساوی باشند و قدرت حاکم نباید مایه سوء استفاده و برتری‌جویی قرار گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲). این اصل عقلانی در رقابت‌های سیاسی امروزی اهمیت، لزوم و کارایی دارد. در الگوهای حیوانی و شیطانی رقابت که برخی با استفاده از رابطه با دولت‌مردان یا افراد صاحب‌نفوذ موازنه بازی را برهم می‌زنند، این نوع از کنش‌گران سیاسی به هر وسیله‌ای که بتوانند هم‌چون پول‌های کثیف برابری در برابر قانون را نقض می‌کنند و التزامی به قواعد بازی و قانون ندارند. از وظایف دولت، پیش‌بینی سیستم‌های حقوقی و نظارتی کارآمد برای جلوگیری از چنین قانون‌شکنی‌هایی است که تبعات آن در کل جامعه آشکار خواهد شد. در اشکال رقابت متدانی، کاندید منصبی سیاسی که با برهم‌زدن عدالت و مساوات در رقابت سیاسی پیروز می‌شود، حس بی‌اعتمادی، تبعیض، ناعدالتی و تقلب را به افراد جامعه تزریق می‌کند. در این حالت، سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی یک نظام مردم‌سالار ضربه سنگینی خواهد خورد. بنابراین، از آثار قانون‌گرایی در الگوی رقابت سیاسی عقلانی، جلب حس اعتماد مردم و بالا رفتن پشتوانه مردمی نظام سیاسی است.

رعایت استقلال کشور

به رسمیت شناخته شدن مردم‌سالاری اسلامی و رقابت سیاسی در جامعه دینی، به وجود آورنده استقلال سیاسی آن جامعه خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۲۹). منظور از استقلال سیاسی در این مجال، معنایی بالاتر از جنبه صوری و حقوقی حاکمیت سیاسی ملی، در برابر حاکمیت دست‌نشانده است. چرا که ممکن است، از لحاظ صوری و حقوقی، بسیاری از حاکمیت‌های سیاسی دنیا، مستقل به نظر برسند، اما در واقعیت امر و در پس این لعاب زرین، سازمان‌های جاسوسی نظام سلطه، تعیین‌کننده خط مشی

آن‌ها باشد. با این توصیف، مفهوم قصدشده از استقلال سیاسی در الگوی رقابت سیاسی عقل‌محور این است که زمام‌داران سیاسی و رجال کشور، با سازوکارهای رقابتی و توسط خود مردم انتخاب شوند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۵). هم‌چنین در مرحله بعد، مدیران منصوب و میانی، توسط خود زمام‌داران و بدون هیچ‌گونه فشار خارجی تعیین گردند. بنابراین، استقلال سیاسی، معادل استفاده از خرد سیاسی، در برابر هرگونه نفوذ و سلطه استعماری، در قالب و فرم استعمار قدیم و جدید و فرانو و به تعبیر دیگر، استقلال کامل سیاسی است. چنین تعبیری از استقلال سیاسی، استقلالی که در برابر دست‌نشانده‌گی و تحت‌الحمایه‌بودن قرار دارد و در حقوق سیاسی کاربرد دارد، نیست. با این بیان، در الگوهای رقابت سیاسی غیر عقلانی که نگاه بازیگران به بیگانگان است و زمام امور را با ترفندهایی؛ هرچند از طریق رقابت و انتخاب به دست آورند، در این صورت نیز استقلال سیاسی فراهم نخواهد شد. بنابراین، راه‌کار دست‌یابی به فواید رقابت سیاسی از جمله استقلال سیاسی مورد نظر، در قطع امید از بیگانه و تکیه به مردم است. الگوی رقابت سیاسی عقلانی، اقتدار و عزت را الهی و با حمایت مردمی می‌داند، در حالی که دیگر الگوهای رقابت، به دنبال کسب قدرت، حتی با حمایت بیگانگان و به قیمت از دست رفتن استقلال کشور هستند.

در مدل رقابت سیاسی عقل‌محور، استقلال اقتصادی نیز مورد توجه مردم و کنش‌گران سیاسی است. یکی از امور ضروری در این رابطه، دقت در برنامه‌های نامزدان مناصب انتخابی کشور است که در رابطه با مسائل اقتصادی و سازوکارهای آن، استقلال و عدم وابستگی اقتصادی را رعایت کرده باشند. جنبه بسیار مهم و زیربنایی استقلال در الگوی رقابت سیاسی عقلانی، استقلال فرهنگی است. استقلال فکری - فرهنگی به معنای باور به این که برای پیشرفت کشور باید با هر نوع وابستگی مقابله شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۲۸). بنابراین، در کارزار رقابت سیاسی، در عین حالی که استقلال کشور از هر جهت باید در نظر گرفته شده باشد، نتیجه آن نیز باید در جهت استقلال کشور باشد. به عبارت دیگر، نباید برگزیدگان و منتخبین رقابت‌های سیاسی، افراد یا گروه‌هایی باشند که وابسته به بیگانه و یا بی‌اعتنای به استقلال کشور باشند. از این

منظر، در الگوی رقابت سیاسی متعالی تأکید بر متدین بودن منتخبین مردم شایسته است. چرا که یکی از عوامل وابستگی، بی دینی است (همان).

یکی از اقدامات دشمن، تلاش آنان برای نفوذ فرهنگی در میان مردم است. در عرصه رقابت سیاسی نیز در موسم رقابت‌ها دشمن سعی می‌کند با ارائه تحلیل و اطلاعات هم‌سو با دیدگاه خود، به انتخاب‌های مردم جهت دهد. تا از این ره‌آورد، افراد دارای دیدگاه نزدیک به خود را به مردم تحمیل کند. از اصول عقلانی ملت ایران، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکباری دولت‌ها است. از همین رو، یکی از اصول عقلانی در رقابت‌های انتخاباتی می‌تواند انتخاب بر خلاف خواسته‌های دشمن باشد. از حضور حداکثری در پای صندوق‌ها و مشارکت فعال، تا رعایت دقیق اصول و اخلاق عقلانی رقابت، حفظ اتحاد و انسجام، انتخاب افراد مؤمن، متعهد و شایسته، همگی بر خلاف خواسته‌های دشمن است (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷). مشارکت حداکثری، عقلانی و نشاط رقابت‌های انتخاباتی، نقطه پیوند رقابت سیاسی با استقلال کشور است. مردم با شرکت پرشور خود در پای صندوق‌های رأی، دشمنان و بیگانه را از دخالت در امور داخلی کشور نا امید خواهند کرد. هم‌چنین کنش‌گران رقابت نیز با رعایت اصول و قواعد رقابت عاقلانه، بهانه را از دست دشمن مترصد فرصت خواهند گرفت.

حفظ استقلال کشور، اصلی است که در اصول متعدد قانون اساسی نیز بدان تأکید و تصریح شده است. در اصل مربوط به مشارکت سیاسی و آزادی فعالیت گروه‌های سیاسی بیان می‌دارد:

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند؛ مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت (قانون اساسی، اصل ۲۶).

بر این اساس، فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته‌شده در رقابت‌های سیاسی به شرط رعایت

استقلال، آزادی، اتحاد، اسلامیت و جمهوریت نظام، آزاد است. بر این اساس، فعالیت بازیگران سیاسی در حوزه رقابت سیاسی نباید منجر به کم‌رنگ یا خدشه‌دار شدن استقلال کشور در هیچ جنبه‌ای شود. لذا برای رسیدن به الگوی رقابت سیاسی متعالی، به نظر می‌رسد اصل حفظ استقلال کشور باید در قالب قوانینی صریح و بدون ابهام در حوزه رقابت سیاسی مدون شود.

حفظ وحدت ملی

ضرورت حفظ وحدت و انسجام از مؤلفه‌های عقلانی است که غالب اندیشمندان غربی و اسلامی برای پایداری یک جامعه بر آن تأکید دارند. هم‌چنین التزام به این اصل از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌آید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۳۸). بر این اساس، یکی از وظایف اساسی نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در الگوی رقابت سیاسی عقل‌گرا، حفظ اتحاد در میان خود و ترویج آن در میان مردم خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۱۷). از فواید پای‌بندی به وحدت، حتی در رقابت‌های سیاسی، امنیت روانی و سیاسی در جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۳۰). رقابت در الگوهای حیوانی، شیطانی و... ظرفیت و استعداد تبدیل شدن به خصومت و تفرقه را دارد. علت این امر در این است که اصول و قواعد رقابت سالم عقلانی از سوی بازیگران یا هواداران‌شان در این مدل‌ها رعایت نمی‌شود. بنابراین، لزوم پرهیز از عوامل اختلاف‌زا و برهم‌زننده وفاق ملی در رقابت سیاسی بسیار ضروری و حساس است. راهبرد الگوی رقابت سیاسی عاقلانه برای دستیابی به حفظ وحدت در لغزش‌گاه‌های رقابت سیاسی، تکیه و تأکید بر مشترکات در حین رقابت و پس از آن، که صحنه هم‌افزایی است، می‌باشد. نخبگان علمی و سیاسی با تبیین اهداف مشترکی چون استقلال سیاسی، تقویت مردم‌سالاری دینی، برپایی حکم الهی در جامعه باید مردم را به سمت اتحاد در اهداف مشترک ترغیب کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

بر این اساس که اعضای یک دولت به تنهایی نمی‌توانند به مسائل کشور سامان بدهند، همراهی و پشتیبانی ملت‌ها از دولت‌های‌شان یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی دولت‌ها به

اهداف ملی و خدمت‌رسانی به مردم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۴). بنابراین، نباید رقابت‌های سیاسی که ظرفیت منجرشدن به تنش را دارد، اعتماد عمومی نسبت به دولت‌مردان و نظام سیاسی را از میان ببرد. بی‌توجهی دولت‌مردان به وحدت در مدل رقابت‌های انتخاباتی متدانی، بی‌اعتمادی مردم نسبت به آنان و دولت‌شان را در پی داشته است.

انجام بسیاری از امور مهم جامعه از جمله رقابت سیاسی، تنها به همت عموم مردم و مشارکت آنان امکان‌پذیر است. در صورت برهم‌خوردن اتحاد جامعه و اختلاف خارج از اصول و قانون، رقابت و مشارکت شکل گرفته؛ اگرچه حداکثری باشد، به شکاف اجتماعی تبدیل خواهد شد. در این شرایط، افراد منتخب نیز که پس از پایان صحنه رقابت باید در صحنه خدمت باشند و نیازمند حمایت سراسری و هم‌دلانه مردم هستند، پشتیبانی و همراهی درصد قابل توجهی از مردم را از دست خواهند داد. در فضای شقاق، حزب منتخب به جای آن که انرژی و نیروی خود را صرف حل مشکلات کشور و خدمت‌رسانی به مردم و جامعه کند، مشغول پاسخ‌گویی و پرداختن به مسائل خود با رقیب قبلی خواهد شد. هم‌چنین گروه بازنده و طرف‌داران آن نیز که باید پس از رأی‌گیری و روشن شدن نتایج، رقابت را تمام‌شده بدانند و به کمک منتخب مردم بیانند، به حاشیه‌سازی و سنگ‌اندازی در راه او بر خواهند آمد. در چنین فضایی عملاً توان و ظرفیت هر دو گروه و طرف‌داران‌شان صرف حواشی آسیب‌زا خواهد شد. بر این اساس، حفظ وحدت ملی و وفاق اجتماعی و پرهیز از عوامل برهم‌زننده آن، یکی از اصول حیاتی الگوی رقابت سیاسی عقلانی برای حیات سیاسی نظام اسلامی و گروه‌های فعال در آن است.

در اصول متعدد قانون اساسی نیز حفظ وحدت ملی مورد تأکید قرار گرفته است. لذا تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مقید به حفظ وحدت ملی است. رقابت‌های سیاسی نیز به عنوان یکی از فعالیت‌های سیاسی، نباید از این اصل تجاوز کند. فعالین این حوزه و مردم ملزم به رعایت سازوکارهایی در این حوزه هستند که نه تنها آسیبی به وحدت ملی وارد نکند، بلکه باعث تقویت آن نیز بشود. بر این اساس، ملاحظه شد که الگوی رقابت سیاسی عقلانی در جهت حفظ وحدت ملی و الگوهای رقابت سیاسی غیر عقلانی در جهت اختلاف و تفرقه هستند.

حفظ امنیت ملی

امنیت، فوری‌ترین، ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان، در سطوح مختلف است. انسان در حوزه امور فردی که تعلق اراده‌اش در تحقق افعال و امور، نیازمند ضمیمه‌شدن اراده‌های دیگران نیست، از امنیت روحی و روانی بی‌نیاز نیست. هم‌چنین انسان در حوزه اجتماع که نیازمند ضمیمه‌شدن اراده‌های دیگران بر اراده خود است، نیازمند امنیت اجتماعی است. به عنوان مثال، برای دولت‌سازی، امت‌سازی یا پاس‌داشتن استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورش و یا در سطح وسیع‌تر، برای داشتن جهانی امن و آرام، نیاز به امنیت، ضرورتی غیر قابل اجتناب است. انسان معاصر، در همه این زمینه‌ها دچار انحطاط امنیتی است. بحران و چالش ایجاد و حفظ امنیت، اساسی‌ترین دغدغه حاکمیت‌هاست. در این میان، هر کسی؛ هرچند از دور دستی بر آتش سیاست داشته است؛ خصوصاً کارگزاران حکومتی هرگز حاضر به معامله امنیت با هیچ دست‌آوردی، حتی رقابت سیاسی نشده‌اند. رقابتی که حرمت چنین دست‌آورد نفیسی را محترم نشمارد، حتی از سوی دموکراتیک‌ترین نظام‌های سیاسی، اجازه خودنمایی نخواهد داشت.

حفظ امنیت یک جامعه در مرحله اول به دولت فرصت می‌دهد تا برنامه‌های گوناگون خود را اجرا کند و به خدمت‌رسانی به مردم بپردازد. اما اگر در اثر تشنج سیاسی، اختلاف یا رقابت، امنیت ملی برقرار نباشد، ابتدا دولت و نظام اسلامی ضربه خواهد خورد؛ چرا که به مسؤولیت‌ها و کارویژه‌های خود نخواهد رسید. سپس مردم و شهروندان دچار آسیب خواهند شد و از خدمات دولتی و حکومتی محروم می‌شوند. مردم به ویژه مستضعفان و محرومین که تشنه اقدامات دستگاه‌های دولتی هستند، از فضای نا امنی ضرر خواهند کرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶). بر این اساس، رقابت سیاسی عقل‌گرا خود را ملزم به رعایت چارچوب‌های امنیت ملی می‌داند. کنش‌گران این میدان قبل و بعد از رقابت نباید اقدامات، تحلیل‌ها و مواضعی داشته باشند که بر خلاف امنیت ملی باشد. لذا در این مدل توصیه می‌شود فضای رقابتی به میزان لازم در کشور حکم‌فرما باشد و پس از انجام انتخابات، سریعاً فضای رقابتی کنار گذاشته شده و زمینه

خدمت برای تمامی گروه‌های درگیر رقابت سیاسی فراهم شود تا با هم‌پاری و هم‌کاری هم‌دیگر انتظارات مردم پاسخ داده شود.

یکی از جنبه‌هایی که دشمن در صدد ضربه‌زدن به امنیت ملی است، از طریق رقابت‌های سیاسی است. رقابت سیاسی عقلانی که از نقاط قوت نظام مردم‌سالار اسلامی است، با رعایت‌نشدن اصول عقلانی آن به نقطه ضعف، اختلاف، هرج و مرج و مدل‌های غیر عقلانی رقابت تبدیل می‌شود. لذا بخشی از تقوای سیاسی عقل‌گرا در تسلیم تحمیل دشمن و فریب او نشدن است. دشمن خواهان اختلاف در میان مسئولین نظام اسلامی و مردم مسلمان است. او به هر بهانه‌ای از جمله ضعف تحلیل‌های طرفین درگیر، رقابت آن‌ها را تحریک می‌کند تا شاید بتواند امنیت ملی را برهم زند (همان). لذا حفظ امنیت ملی جزء اصول اساسی رقابت سیاسی عاقلانه خواهد بود.

حفظ حرمت ارزش‌های دینی

مردم‌سالاری دینی بر سلسله‌ای از آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول اخلاقی مبتنی است که برگرفته از دین هستند. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، حکومت در برابر ارزش‌های انسانی، مسؤول و متعهد است. همه انسان‌ها بر اساس فطرت مخموره الهی خویش، فضایل اخلاقی و آرمان‌های انسانی را محترم می‌شمارند. اما در دموکراسی غربی مبتنی بر اصالت تمایلات اکثریت، چنین فضایی قابل انتقال به ساختار نظام حکومتی نیستند و فقط در زندگی فردی انسان‌ها در صورتی که خودشان مایل باشند، مورد توجه قرار می‌گیرند. حتی برخی آموزه‌های دموکراسی غربی را می‌توان مشوقی برای نادیده‌انگاشتن بعضی از فضایل اخلاقی نیز ارزیابی کرد؛ یعنی دعوت از انسان آرمان‌گرا و فضیلت‌خواه برای زندگی حیوانی بدون آرمان و بر اساس فطرت محجوبه؛ همان‌گونه که لوین تصریح می‌کند: «عدم مشروعیت حفظ اخلاقیات اخیراً به منزله یکی از اهداف لیبرالیستی شناخته شده است» (لوین، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹). اما در مردم‌سالاری دینی، همه چیز در بستر فضایل اخلاقی و ارزش‌های متعالی ترویج می‌شود. بنابراین، در مردم‌سالاری دینی، بر خلاف دموکراسی غربی، اخلاق دینی و ارزش‌های انسانی

حاکمیت دارد و احیای ارزش‌های دین اسلام، یکی از اصلی‌ترین اهداف مورد تأکید در این دیدگاه است. در مدل رقابت سیاسی عاقلانه مد نظر، مردم‌سالاری دینی باید ارزش‌های دینی که همگی مطابق با عقل هستند، ترویج شده یا حداقل حرمت آن‌ها حفظ شود. مسئولین قانون‌گذار ضمن پیش‌بینی قوانینی که از ارزش‌های دینی در رقابت‌های سیاسی صیانت کند، می‌توانند مواردی را در نظر بگیرند که رعایت اجباری آن‌ها از سوی فعالین عرصه رقابت سیاسی و طرف‌داران آنان موجب اعتلای ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی شود. مسئولین اجرایی رقابت‌های سیاسی نیز با ملزم‌بودن به رعایت مصوبات قانون‌گذاران در جهت حفظ حرمت ارزش‌های دینی و تشویق و درخواست و نهایتاً اجبار کنش‌گران میدان رقابت سیاسی، بستر عملیاتی شدن این اصل مهم را فراهم می‌آورند. هم‌چنین باید مشوق‌هایی برای بازیگران رقابت سیاسی که ابتکارهایی در زمینه رعایت این اصل داشته باشند، در نظر گرفته شود.

در یک حکومت الهی باید تمام قوانین مصوب در جامعه مطابق رضایت خداوند و بر اساس قوانین اسلامی باشد. هم‌چنین قانون اساسی آن باید بر طبق قانون اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۵۱۵-۵۱۴) و محتوای آن، بر اساس معیارها و موازین اسلامی باشد (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۴، ص ۳۳۰). در این نظام، ضمن حکومت احکام و قوانین اسلام، همه شریان‌های حیاتی کشور و نظام سیاسی بر طبق اهداف و ارزش‌های اسلامی جریان پیدا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۵۵). بر این اساس، در رقابت‌های سیاسی نیز قوانین مربوطه نباید مغایر با قوانین اسلامی و قانون اساسی باشد. مجریان رقابت سیاسی و رقیبان سیاسی نیز ملزم به رعایت آن قوانین هستند و باید حرکت‌ها و اقدامات خود را در جهت ارزش‌های دینی و ملی تطبیق دهند.

اسلام که دینی عقلانی و منطبق بر اقتضائات عقلی است، ارزش‌هایی را مد نظر قرار داده است که توجیه منطقی و عقلانی دارند. نمونه‌ای از این ارزش‌های اجتماعی عبارتند از عدالت، مساوات، آزادی، استقلال، امنیت، فضایل اخلاقی، ایثار، نوع‌دوستی، رعایت حقوق و... برخی از ارزش‌ها چنان واضح‌اند که عقل به تنهایی قادر به درک و شناخت آن‌هاست و نیازی به بیان از سوی دین نیست و اگر بیانی نیز باشد، ارشاد به

حکم عقل است. اما در برخی موارد، عقل مستقلاً توانایی درک ارزش کارها و رفتارهای انسان و میزان تأثیر آنها در سعادت و شقاوت آن را ندارد و در این گونه موارد نیازمند بیان دینی هستیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۲-۶۱). البته این به معنای غیر عقلانی بودن این قسم از ارزش‌ها نیست. الگوی رقابت سیاسی عقلانی خود را ملزم به حفظ و ترویج تمامی ارزش‌های عقلانی و دینی می‌داند. ارزش‌های مطرح در الگوهای دیگر، از رقابت سیاسی که به جای عقل، شهوت یا غضب یا وهم و یا ترکیبی از آنها تسلط دارد نیز مطابق با خواسته‌های این قوا است. در حقیقت آنچه از منظر عقل و دین ضد ارزش است، برای مدل‌های غیر عقلانی رقابت سیاسی ارزش محسوب می‌شود.

تأمین مصلحت عمومی

از آغازین مراحل شکل‌گیری تأملات سیاسی تا به امروز، مسأله مصلحت عمومی و نسبت آن با سیاست به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته و یکی از مباحث اصلی اندیشه سیاسی به شمار می‌آید. هم‌چنین این مفهوم در عرصه عمل سیاسی نیز به عنوان یک شاخص بسیار مهم در ارزیابی عمل‌کرد گروه‌های مختلفی که به گونه‌ای با سیاست و رقابت سیاسی سروکار دارند، به کار می‌رود. «در بحث‌هایی که درباره مسائل عینی و ملموس می‌شود، معمولاً بیش‌تر از تعبیر مصلحت عمومی استفاده می‌شود تا از تعابیر عدالت، انصاف، برابری و یا آزادی» (باری، ۱۳۷۱، ص ۲۲۰). در فرهنگ علوم سیاسی، تعریف مصلحت این‌گونه بیان شده است: «آنچه که خیر و صلاح شخص، گروه یا جامعه‌ای در آن باشد. مصلحت، هم‌معنای منفعت است و منفعت، هر چیزی است که در آن سود یا فایده باشد» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۲۳۲). در برخی تعابیر، مقصود از فایده؛ اعم از دنیوی و اخروی دانسته شده است. «مصلحت عبارت است از آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی و یا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به‌دست‌آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۱). بر این اساس، مصلحت عمومی؛ یعنی خیر و نفعی که متوجه عموم شهروندان در دنیا یا آخرت می‌شود.

مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی، از مفاهیم محوری به شمار می‌آید. وی در کتاب البیع، نظر و عمل حاکم را تابع مصلحت دانسته است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹). هم‌چنین در فرازهای متعددی از بیانات خود، ضمن تبیین جایگاه آن در الگوی حکمرانی اسلامی، تلاش همه مسؤولین را در جهت تأمین این امر مهم خواستار شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۶۵ و ج ۴، ص ۱۰۹). یکی از حوزه‌های مهم سیاست عملی، حوزه رقابت‌های سیاسی است که توجه به رعایت مصلحت عمومی مورد تأکید جدی است.

اهمیت و جایگاه مصلحت عمومی در تبیین یکی از اندیشمندان برجسته اسلامی از این جهت حائز توجه است که وی شریعت اسلامی را تنها منبع و مصدر قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی دانسته است. رقابت سیاسی جزء مواردی است که در جمهوری اسلامی بر اساس شرع و منطقه‌الفراغ برای آن قوانینی تدوین شده است. از منظر وی احکام و قوانین اسلامی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. احکام شرعی ثابت و واضح.
 ۲. احکامی که با اجتهاد مشروع به دست می‌آیند و توسط قوه قانون‌گذار با توجه به مصالح عمومی انتخاب می‌شوند.
 ۳. مواردی که شریعت در آن‌ها حکم خاصی بیان نکرده و منطقه‌الفراغ است و مکلف در آن موارد آزاد گذاشته شده است. در این جا قوه قانون‌گذار می‌تواند بر اساس «مصالح عمومی» نظرگاه مشخصی را ابراز کند (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹).
- در حوزه قانون‌گذاری برای رقابت‌های سیاسی و پیرامون آن نیز یکی از حالات فوق‌متصور است که یا احکام ثابت متناسب با مصالح و مفاسد واقعی برای آن و امورات مربوط به آن وضع شده است، یا قوانینی بر اساس اجتهاد و توسط قوه مقننه با رعایت مصلحت عمومی برای آن وضع می‌شود و یا منطقه‌الفراغ بوده آزادی عمل برای کنش‌گران سیاسی وجود دارد که باز رعایت مصالح جامعه ضروری است. با این وصف روشن می‌شود که در هر سه حالت، تأمین و ترجیح مصالح عمومی بر منافع شخصی و حزبی در الگوی مد نظر اسناد بالادستی از رقابت سیاسی عاقلانه مورد تأکید دوچندان است.

غایت رقابت در سیاست بر دو نوع است: گاه تأمین منافع شخصی و گاه به دنبال مصلحت عمومی و نوع انسان‌ها می‌باشد. به دنبال منافع خودبودن؛ اعم از منافع مادی و معنوی به شرط وارد نکردن آسیب به رقیب و زیر پا نهادن اصول و ارزش‌های اخلاقی، در سایر رقابت‌ها مذموم نیست. در این رقابت‌ها در صورت رعایت نشدن الزامات رقابت سالم، ناکام واقعی خود شخص خواهد بود. بنابراین، ارزش چنین رقابتی متوقف بر خود فرد است. به عبارت دیگر، در رقابت‌هایی که منافع و ضررهای آن متوجه عموم جامعه نیست و تنها بازیگران درگیر رقابت را دربرمی‌گیرد، با رعایت اصول رقابت، هدف از آن می‌تواند رسیدن به منافع شخصی باشد. اما در صحنه سیاست، رقابت نمود دیگری دارد. زیرا در عرصه سیاست که حوزه‌ای عمومی است، نقطه مقابل منافع شخصی مصلحت عمومی است. به حکم عقل، اگر فرد یا گروه درگیر در رقابت سیاسی به دنبال تأمین منافع شخصی خود باشند؛ اعم از این که آن کار مبتنی بر فضایل باشد یا رذایل، در هر صورت منافع خود را بر مصالح عمومی مقدم داشته‌اند؛ در این صورت رقابت سیاسی به عنوان ابزاری در راه رسیدن به خواسته‌های شخصی و حزبی در نظر گرفته شده است که مطابق با الگوهای غیر عقلانی رقابت سیاسی است. اگر این رویکرد از سوی کارگزاران حکومتی نیز در پیش گرفته شود، در حقیقت صاحب منصب سیاسی از رقابت در قدرت سیاسی به عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های شخصی خود بهره گرفته است. این امر منجر به ناکارآمدی نظام سیاسی و فساد در آن شده و در نهایت پایه‌های مشروعیت حاکمیت سیاسی را متزلزل خواهد کرد. از این رو، الگوی رقابت سیاسی عاقلانه، رقابت بر مدار مصالح عمومی جامعه را توصیه و تجویز می‌کند.

با توجه به این که در رقابت سیاسی عاقلانه هدف فرد یا حزب از رقابت سیاسی خدمت‌رسانی به مردم و مصالح اجتماعی است، نتیجه مثبت آن خود فرد و حزب مورد نظر را نیز شامل می‌شود. به این معنا که فرد با خدمت به هم‌نوعان خود و در نظر گرفتن مصالح جمعی، خود و خانواده و نزدیکانش نیز از این منافع اجتماعی بهره خواهند گرفت. علاوه بر این، فرد یا گروه، فضایل نفسانی را نیز در خود و جامعه تقویت کرده، علاوه بر پاداش دنیوی، به اجر اخروی و بالاتر از آن، رضایت خداوند متعال نیز دست

می‌یابند. روشن است که این نوع غایت عقل‌مدار از رقابت سیاسی بر نوع اول آن از جهات متعدد برتری دارد. رقابت سیاسی با هدف برآوردن مصلحت عمومی، نه تنها مصلحت فرد و حزب را تأمین می‌کند، بلکه رضایت خلق و خالق را نیز دربردارد. افزایش رضایت عمومی در الگوی رقابت سیاسی عقلانی موجب افزایش سرمایه اجتماعی گران‌بها و در نتیجه منجر به تقویت و تداوم پایه‌های قدرت سیاسی خدمت‌رسان و مردم‌سالار خواهد شد. هم‌چنین شاهد ارتقای فرهنگ سیاسی و نهادینه‌شدن مؤلفه‌های مردم‌سالارانه خواهیم بود.

از این منظر، ماهیت رقابتی سیاست، ظرفیت بالقوه‌ای است که در صورت بهره‌گیری مناسب از آن، نه تنها آسیب‌زا نخواهد بود، بلکه می‌تواند سیاست و جامعه را از سستی، فساد و زوال نجات داده، بدان صورت و غایتی عقلانی، نظارتی، پویا، سالم و مطلوب ببخشد. در صورت ارتقای فرهنگ سیاسی رقابتی، نتیجه آن شکل‌گیری قدرتی خواهد بود که آن را از اشکال قدرت غیر رقابتی و اقتدارگرا جدا می‌کند و به آن هویتی مستقل و مردمی می‌بخشد. در نهایت، غایت این نوع سیاست رقابت‌آمیز می‌تواند برآوردن مصالح شخصی و نوعی، مادی و معنوی به صورت توأمان باشد. البته مصالح نوعی و اجتماعی بر منافع شخصی اولویت داشته و سبب بقای نظام سیاسی بوده و اجتماع را از کشمکش و نزاع مخرب باز می‌دارد.

رعایت اخلاق مدنی

اخلاق مدنی، قواعد و هنجارهایی فراتر از اخلاق شهروندی است. چرا که قواعد شهروندی هم‌چون قانون ضمانت اجرای دولتی را در پشتوانه خود احساس می‌کند، ولی اخلاق مدنی دارای چنین ضمانت‌اجرائی نیست، بلکه ارزش‌هایی است که هر کس به واسطه زندگی در هر اجتماعی خود را ملزم به رعایت آن ارزش‌ها می‌یابد. الگوی رقابت سیاسی عقلانی رعایت اخلاق مدنی را در صحنه رقابت‌های جامعه به ویژه رقابت‌های سیاسی و از سوی افراد شاخص، شخصیت‌های حقوقی، نهادها و ارگان‌های درگیر دوچندان می‌داند. چرا که خصلت رقابت، نمود و جلب توجه آن است به ویژه از نوع سیاسی آن که از سوی سرشناسان جامعه و اغلب با تبلیغات فراوان و برای جلب آرای

آحاد مردم صورت می‌گیرد. از این رو، مراعات یا رعایت نکردن اخلاق مدنی در رقابت‌های سیاسی تأثیر قابل توجهی در جامعه خواهد داشت. نکته دیگری که ضرورت التزام نخبگان سیاسی و اجرایی یک جامعه را به اصول اخلاق مدنی مؤکد می‌کند، الگو و پیش‌رو بودن آنان است. روایت «الناس علی دین ملوکهم» نیز همین نکته را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، شهروندان در منش و رفتار و التزام به هنجارها، اقدامات و مواضع آنان را فصل خطاب می‌دانند. بر این اساس، مسئولین و کنش‌گران رقابت‌های سیاسی با تخریب یک‌دیگر یا سایر مسئولین نظام اسلامی نباید در ذهن مردم ابهام و سؤال ایجاد کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱/۱۵). رقابت سیاسی که در مقابل چشمان تیزبین مردم است، عرصه تسویه حساب‌ها و عقده‌گشایی‌های شخصی نیست. این امور بر خلاف اخلاق مدنی و مصالح ملی است که در مدل‌های غیر عقلانی رقابت سیاسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

سیاست به معنای اداره درست و متقیانه جامعه یکی از بخش‌های دین اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۱۶). رقابت جنبه‌ای از سیاست است که نیازمند تقوای سیاسی بیش‌تری است. چرا که میدان رقابت ذاتاً میدان لغزنده‌ای است. حسد از عوامل مهمی است که در رقابت‌های سیاسی انسان را وادار به تجاوز به حیثیت، تخریب موقعیت و تضعیف شخصیت دیگران می‌کند. انسان حسود برای دست‌یابی به هدف خود که سلب نعمت از رقیب خود است، به کارهایی چون توهین، تخریب، تمسخر، غیبت و تهمت آلوده می‌شود. این نوع گناهان، در الگوهای رقابت سیاسی غیر عقلانی گناهان شایع و رایجی هستند که تا سطوح بالایی از طبقات جامعه را فرا می‌گیرند؛ به ویژه در دنیای سیاست و برای دست‌یابی به قدرت و در رقابت‌هایی که هدف از آن رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، بین افراد و گروه‌ها درمی‌گیرد، از این ابزار نکوهیده استفاده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۲۹).

مطالعه سلوک سیاسی امیرالمؤمنین 7 ما را به این نکته می‌رساند که اخلاق سیاسی ایشان با رفتار معنوی و اخلاق فردی آن بزرگوار، هم‌خوان و قابل تطبیق است. امیرالمؤمنین به عنوان حاکم و بالاترین قدرت جامعه، همان علی‌بن‌ابی‌طالب زاهد، اسوه اخلاق و عدالتی است که دنیا نظیر او را ندیده است. ایشان هرگز مکر، دروغ، نیرنگ و

سایر ضد ارزش‌ها را در صحنه حکمرانی جایز نمی‌داند. ایشان هرگز رقیب را، حتی به بهانه این که دشمن است - تا چه رسد به رقیب قانونی و ایمانی - با دروغ، تخریب، هدردانستن عرض و آبرو یا هر روش غیر اخلاقی دیگری کنار نمی‌زند. صداقت در گفتار، کردار و منش سیاسی، برنامه و راهبردهای خرد و کلان از سیره سیاسی امیرالمؤمنین قابل برداشت و درس‌آموزی است. صداقت با مردم در رقابت‌های سیاسی، یکی از اصول مهم اخلاق مدنی اندیشه سیاسی اسلامی است. مردم ایران، حتی پس از انقلاب، خاطره خوشی از وعده‌های انتخاباتی بازیگران رقابت‌های سیاسی ندارند. این امر منجر به کاهش و سوختن سرمایه اجتماعی گران‌بهای انقلاب شده است. بر این اساس، می‌توان با صراحت ادعا کرد که از مدل رقابت سیاسی متعالی و عقلانی فرسنگ‌ها فاصله داریم.

الگوی رقابت سیاسی عقلانی حفظ کرامت انسانی در صحنه رقابت‌های سیاسی و انتخابات را یکی از بارزترین نمونه‌های رعایت اخلاق مدنی می‌داند. در این مدل، خط قرمز جناح‌های مختلف کشور، نامزدهای انتخاباتی، طرف‌داران و حتی مردم عادی بداخلاقی، بدگویی، اهانت، تهمت و... که همگی مخالف کرامت انسانی هستند، می‌باشد. یکی دیگر از نمونه‌های بداخلاقی مخالف کرامت انسانی که در رقابت‌های سیاسی غیر عقلانی دنیا قابل مشاهده است، خریدن رأی افراد است. افرادی که اقدام به این کار می‌کنند و افرادی که رأی خود را می‌فروشند، هر دو گروه کاری غیر عقلانی، غیر اخلاقی و غیر کریمانه انجام می‌دهند. این افراد با زیر سؤال بردن کرامت انسانی، صحنه رقابت سیاسی را نا سالم و غیر اخلاقی می‌کنند. در الگوی رقابت سیاسی عقلانی، برای مقابله با این روش‌های نا سالم، پیش‌بینی ترفندهای حقوقی و قانونی ضروری است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

بازی بر اساس حاصل جمع غیر صفر

دو نوع بازی معروف می‌توان تصور کرد: بازی با حاصل جمع صفر و بازی با حاصل جمع غیر صفر. در بازی با حاصل جمع صفر، مجموع برد و باخت صفر است. به این معنا که آنچه را یک بازیگر از دست می‌دهد، بازیگر دیگر همان را به دست می‌آورد. در بازی با حاصل جمع غیر صفر، لزوماً نباید جمع امتیاز بازیکنان صفر شود.

در این بازی برد یک طرف لزوماً به معنای باخت طرف مقابل نیست. در این بازی برای هردو عنصر تعارض و هم‌کاری جا هست. ظرفیت هم‌کاری در این نوع بازی است که الگوی رقابت سیاسی عقلانی را مجاب به انتخاب این شیوه می‌کند. در رقابت سیاسی عقلانی، طرفین رقابت احساس پیروزی یا شکست نمی‌کنند. بلکه پیروز واقعی کسانی هستند که در رقابت شرکت داشته‌اند و به نحوی مشارکت حداکثری را رقم زده‌اند. اگر چنین تصور کنیم که رقیبی در انتخابات نبود یا رقیب بی انگیزه و ضعیف بود، مردم نیز انگیزه و هیجان کافی برای شرکت در رقابت را نداشتند و در نتیجه حضور مردم کم‌رنگ می‌شد. از این رو، همه کسانی که در انتخابات شرکت داشته‌اند؛ اعم از آن‌ها که خود یا نامزد مورد علاقه‌شان رأی آورده یا نیاورده‌اند، همه پیروز این میدان‌اند و بازنده انتخابات‌های عقلانی، پرشور و حماسی نظام اسلامی، دشمنان ملت ایرانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۲/۲). در بازی با حاصل جمع غیر صفر است که حتی جناحی نیز که رأی نیاورده است، دارای امتیاز و سهم در پیروزی است. بر این اساس، از فردای روز پایان رقابت، تمامی رقبای دست در دست هم‌دیگر برای پیشرفت کشور باید مهیا و آماده باشند. هم‌چنین در این الگو جناحی که رأی برتر را نیاورده نیز در مناصب و خدمت‌رسانی با جناح رقیب سهم خواهد بود. در این روی‌کرد، تمامی مناصب برای جناح پیروز نخواهد بود، بلکه مناصب بر اساس شایسته‌سالاری و هم‌کاری در میان رقبای دیروز و دوستان و هم‌سنگران امروز تقسیم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از منظر الگوی رقابت سیاسی عقلانی؛ اگرچه رقابت سیاسی برای درخت مردم‌سالاری همانند آب حیات است، ولی اگر همین درخت بیش از نیازش آبیاری شود، باعث پژمردگی آن خواهد شد. از این رو، فضای رقابت سیاسی در جامعه هر چه زودتر باید برچیده شده و فضای خدمت‌رسانی به مردم و شهروندان فراهم شود. در این زمینه همه گروه‌های سیاسی باید فعال بوده و پس از پیروزی یک جناح در رقابت سیاسی، زمینه را برای خدمت‌رسانی وی فراهم کنند. هم‌چنین تمام گروه‌های درگیر در رقابت سیاسی، پس از اتمام رقابت باید

خود را در خدمت‌رسانی به مردم همانند جناح منتخب مسؤول و سهیم بدانند. جناح منتخب نیز نباید همه مناصب را از آن خود دانسته و خود و کشور را از بهره‌گیری از استعداد های دیگر جناح‌ها و افراد محروم دارد. بر این اساس، حزب منتخب باید با روی‌کردی فرا جناحی و بر اساس اصل عقلانی شایسته‌گزینی، افراد لایق و کاردان را در جهت کارآمدسازی برنامه‌های خود و خدمت‌رسانی به مردم به کار گیرد.

برای تکمیل پیش‌نویس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پیشنهاد می‌شود بخشی به عنوان اصول الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در نظر گرفته شود. اصول مطرح در این بخش می‌تواند این موارد باشد: اولویت امور معنوی، التزام به قانون، حفظ استقلال، اتحاد و امنیت، حفظ ارزش‌های دینی، تأمین مصلحت عمومی، رعایت اخلاق مدنی و... در پیش‌نویس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به مسأله رقابت سیاسی، با وجود اهمیت بسیار آن برای کشور پرداخته نشده است. از اصول مطرح‌شده در این فصل، برای تکمیل این الگو می‌توان بهره گرفت.

منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ۱۳۸۶.
۲. آوتویت، ویلیام و باتامور، تام، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۳. احمدی، علی‌اصغر، اصول تربیت، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴ و ۲۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۷. باری، بریان، «مصلحت عمومی»، فلسفه سیاسی، ویراسته آنتونی کوئینتن، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۱.
۸. پای، لوسین و دیگران، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.

۹. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، تنظیم محمد محرابی، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۰. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۴.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۲. صدر، محمدباقر، الاسلام يقود الحياة، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۱ق.
۱۳. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۵، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۹.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، تعالیم اسلام، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. لوین، اندرو، طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۱۹. محقق حلی، جعفر بن حسین، معارج الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۲۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران: صدرا، ۱۳۸۴.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۸، ۱۳۷۱.